



1- چند هفته قبل اطلاع پیدا کردم که دوستان و ارادتمندان استاد دکتر غلامرضا اعوانی قصد دارند، برای ادای احترام به ایشان دفتری فراهم آورند و به حضرتشان تقدیم کنند. من هم کوشیدم که در حد بضاعت مزاجه خود مقاله ای بنویسم اما چون بیمار بودم و اثر داروها تمرکز حواس و تأمل را دشوار کرده بود، از عهده برنیامدم. در عین ناتوانی فکر می کردم که غیبت در جمع دوستان و ارادتمندان دکتر اعوانی اگر نه کفران نعمت وجود ایشان، حرمانی بزرگ برای من است. پس ناگزیر درصدد برآمدم به پاس همدمی ها و هم آوایی ها و به حکم ارادت و دوستی و همکاری پنجاه ساله شمه ای از اوصاف و بزرگیشان را بازگویم و به جوانانی که در وادی سخت و دشوار پر از لغزش گاه فلسفه وارد می شوند، به اجمال یادآوری کنم که بکوشند تا اگر می توانند اعوانی وار با فلسفه زندگی کنند. فلسفه دوستی دانی است و استاد دکتر اعوانی با این دوستی زندگی کرده و همچنان بر عهد خود استوار است. سلامت وجود و دوام فیض و افادات ایشان را از خداوند مسئلت دارم.

2- به نظر من دکتر اعوانی از نعمت های این روزگار عسرت و تنگدستی است. او فیلسوف است نه اینکه شغلش گفتن و نوشتن و آموختن فلسفه باشد، بلکه با فلسفه زندگی می کند و همه عمر با فلسفه زندگی کرده است. دکتر اعوانی فیلسوف افلاطونی است یا بهتر بگویم افلاطون را مثال فیلسوف و اسوه اهل فلسفه می داند. افلاطون از نظر دکتر اعوانی فیلسوف الهی است. فیلسوفان متقدم مانند فارابی و سهروردی و بسیاری دیگر نیز افلاطون را فیلسوف و حکیم الهی می دانسته اند. آثاری که این استاد گرامی به زبان فارسی و انگلیسی نوشته یا از فارسی به انگلیسی و از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است، همه از حیث صحت و متانت و استواری ممتازند. دکتر اعوانی نه تنها استادی بزرگ است، بلکه در دیپلماسی فرهنگی ما کارهای بزرگ کرده است. مردی که علاوه بر تضرعش در فلسفه اعم از قدیم و جدید و اسلامی و غیر اسلامی، از نوجوانی با معارف دینی و تفسیر و حدیث و ادب و تاریخ ایران آشنایی و انس یافته و در جمع فلسفه با این معارف کوشش-های موثر کرده است، هر جا برود نماینده شایسته فرهنگ ایران است. این سفیر شایسته فرهنگی ایران که عضو هیئت مدیره انجمن بین المللی فلسفه و عضو پیوسته فرهنگستان علوم است، در چهل پنجاه سال اخیر در کنفرانس ها و سمینارهای بین المللی، فرهنگ و معارف ایران را به جهان و جهانیان شناسانده است، مخصوصاً در سال های اخیر با تدریس در مراکز علمی چین خدمت بزرگی در شناساندن فرهنگ و تفکر ایرانی-اسلامی به چینیان کرده است و گمان می کنم در زمان ما استاد دکتر اعوانی از این حیث ممتاز باشد.

3- روا نیست که از فضائل اخلاقیش چیزی نگویم؛ تواضع استاد دکتر اعوانی مثال زدنی است. بخل و ضنّت ندارد. در صبر و بردباری و رعایت ادب و نجابت کم نظیر است. اما هر جا پای نظر و حقیقت در میان باشد به صراحت و بی پروا از آنچه حق می داند، دفاع می کند. در طی پنجاه سال دوستی و همکاری هرگز از او تنگ نظری ندیده ام به تعبیر سعدی «نه در خلق بدبین است و نه در نفس خودبین» و با این صفات و اوصاف علمی و اخلاقی است که به مراتب والای فلسفه و حکمت رسیده است. اشاره شد که آموزگار فلسفه در نظر دکتر اعوانی افلاطون است. این افلاطون اندکی با افلاطونی که در کتب تاریخ فلسفه معرفی شده و می شود تفاوت دارد و شاید همان حکیم متألّه و متوعّل در نظر که شهاب الدین سهرودی می گفت باشد. افلاطون شناسی دکتر اعوانی مجموعه اطلاعاتی از افلاطون و درباره افلاطون نیست بلکه شناخت و تفسیری از افلاطون پس از طی دوهزار و پانصد سال تاریخ فلسفه است. این افلاطون شناسی یکی از صورت های فلسفه معاصر است.